



An exploration of the reasons for women's willingness to accept a second wife

Mustafa Zahirinia ^{*1} | Malihe Rahmanian ² | Yasser Rastegar ³

1. Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Iran.

Email: h.gharibi@uok.ac.ir

2. Master's degree student in social science research, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Iran.

Email: rahmanianmalihe1400@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Humanities, University of Hormozgan, Iran.

Email: rastegar@hormozgan.ac.ir

* This article is taken from a master's thesis in the field of social sciences research at the University of Hormozgan.

Volume info

Vol. 21
Series: 74
Spring 2026

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
16 April 2024

Revised:
27 September 2024

Accepted:
20 September 2025

Published:
21 April 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



Abstract

The present study seeks to explore the reasons and contexts of accepting a second wife in Minab city women. This research was conducted with a qualitative approach based on thematic analysis method. The field of study is the women of polygamous families in Minab city, located in Hormozgan province. The purposeful sampling method and the method of access was snowball, and 19 second wives were interviewed in a semi-structured manner. Finally, data coding was done by Gibson and Brown method. Data analysis led to 16 primary codes, 4 sub-themes and finally the discovery of the overarching theme of deterministic patriarchal system and women's motivations. According to the findings of the research, in addition to the patriarchal structure ruling the studied society, which casts a shadow on women's lives and has dominated them, the existence of a series of internal motivations in women also leads them to become second wives of married men.

Keywords : second wife; patriarchal system; internal motives; thematic analysis; Minab city

Cite this Paper: Zahirinia^M, Rahmanian^M & Rastegar^Y. (2026). An exploration of the reasons for women's willingness to accept a second wife. *Journal of The Women and Families Cultural-Educational*. 21(74), 141-161



Publisher:
Imam Hossein University.

©
The Author(s).



کاوشی در دلایل رغبت زنان به پذیرش همسر دوم شدن

مصطفی ظهیری نیا*^۱ | ملیحه رحمانیان^۲ | یاسر رستگار^۳

۱. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، ایران | Email: zahirinia@hormozgan.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، ایران

Email: rahmanianmalihe1400@gmail.com

۳. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، ایران | Email: rastegar@hormozgan.ac.ir

* مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان است.

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال کاوش در دلایل و زمینه‌های پذیرش همسر دوم شدن در زنان شهرستان میناب است. این تحقیق با رویکرد کیفی و بر اساس روش تحلیل مضمون صورت گرفته است. میدان مطالعه زنان خانواده‌های چند همسر شهرستان میناب واقع در استان هرمزگان است. روش نمونه‌گیری هدفمند و شیوه دسترسی به صورت گلوله‌برفی بوده و با ۱۹ نفر از همسران دوم به صورت نیمه ساختاریافته مصاحبه شد. در نهایت کد گذاری داده‌ها به روش گیبسون و براون انجام شد. تحلیل داده‌ها منتج به دست‌یابی به ۱۶ کد اولیه، ۴ تم فرعی و در نهایت کشف تم فراگیر نظام مردسالارانه‌ی جبرگرا و انگیزه‌های زنان شد. بر اساس یافته‌های پژوهش علاوه بر ساختار مردسالاری حاکم بر جامعه مورد مطالعه که بر زندگی زنان سایه افکنده و آنها را به تسلط خویش در آورده است، وجود یک سری انگیزه‌های درونی در زنان نیز آنها را به سمت همسر دوم شدن مردان متأهل سوق داده است.

کلیدواژه‌ها: همسر دوم؛ نظام مردسالار؛ انگیزه‌های درونی؛ تحلیل مضمون؛ شهرستان میناب.

سال و شماره

سال ۲۱، پیاپی: ۷۴
بهار ۱۴۰۵

سال و شماره

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۲۶۴۵-۴۹۵۵
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۶۹



استناد: ظهیری نیا، مصطفی؛ رحمانیان، ملیحه؛ رستگار، یاسر (۱۴۰۵). کاوشی در دلایل رغبت زنان به پذیرش همسر دوم شدن؛ فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده؛ ۲۱ (۷۴): ۱۶۱-۱۴۱.

نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



OPEN ACCESS

مقدمه و بیان مساله

نظام خانواده در جامعه یک نظام محوری و اساسی است. نهاد خانواده که کوچکترین واحد اجتماعی محسوب می شود اساس و زیر ساخت واحدهای بزرگ اجتماعی بشری نیز به شمار می رود (بورغانی فراهانی، ۱۳۸۹: ۳۶). معمولاً نقطه شروع خانواده ازدواج است (توکلی و همکاران، ۱۳۹۴). ازدواج که اغلب به شیوه های قانونی، دینی و فرهنگی اطلاق می شود و ماهیت و کیفیت آن توسط هنجارهای اجتماعی بر ساخته می شود (محمدی و شریفی، ۱۳۹۷: ۱۷)، به معنی مشروع و قاعده مند ساختن روابط جنسی بین افراد است اما علاوه بر تمتع جنسی، فرزندآوری و آرامش روانی حاصل از ازدواج نیز از اهداف و کارکردهای دیگر ازدواج محسوب می شود (جهانبخش، ۱۳۹۵: ۳۶). از لحاظ ساختاری، ازدواج را می توان به دو نوع، ازدواج تک همسری و چند همسری تقسیم بندی نمود که با توجه به جوامع و هنجارهای مورد قبول آنها، جایگاه های متفاوتی دارند (عنایت و قلیچی، ۱۳۹۹). اگر نگاهی به تاریخ بیندازیم، خواهیم دید که بیشتر جوامع بشری از قاعده ی تک همسری^۱ که ازدواج را محدود به یک همسر در یک زمان می کند، پیروی نکرده اند. در عوض آن، بسیاری از جوامع نوعی چند همسری یا ازدواج با چند همسر را روا می دارند (پیتس و پلاگ^۲، ۱۳۹۰: ۵۱۲).

چند همسری در ایران و وضعیت پیچیده تری دارد و در میان جمعیت اهل سنت امری پسندیده و رایج قلمداد می شود، از این رو در مناطقی نظیر سنندج، خراسان شمالی، آذربایجان غربی، لامرد، کهنوج، بوشهر، خوزستان، جزیره ی قشم و بلوچستان به میزان بسیار بالایی وجود دارد (مجاهد و بیرشک، ۱۳۸۲). در برخی از مناطق ایران به ویژه جوامع روستایی و عشایری نیز با توجه به تاثیر عرف و اخلاق اجتماعی، پدیده چند همسری جزئی از عرف و هنجارهای اجتماعی آن جوامع تلقی گردیده است (عنایت و قلیچی، ۱۳۹۹).

به طور کلی امروزه میزان چند همسری در ایران رقم قابل توجهی نیست و نمی توان چند همسری را ساختی غالب در ساختار خانوادگی ایران به حساب آورد. اما آمارها حاکی از آن است که این پدیده در طی دهه ی شصت، به خاطر شرایط بحرانی که ناشی از جنگ تحمیلی بود در برخی

1. Monogamy
2. Bates & Plog

مناطق کشور افزایش یافت (علی‌نقیان و روستاخیز، ۱۳۹۷). بر اساس آمارهای اطلس وضعیت زنان و خانواده که بر مبنای سال ۹۵ تهیه شده است، بالاترین درصد زنانی که همسرشان بیش از یک زن دارد متعلق به استان "سیستان و بلوچستان" و کمترین درصد متعلق به استان "سمنان" است. به طوریکه ۱۴/۹ درصد زنان استان سیستان و بلوچستان شوهرشان بیش از یک همسر دارد، و پس از آن استان "هرمزگان" با نرخ ۷/۰۳ درصد نسبت به سایر استان‌ها در رتبه دوم قرار گرفته است (روزنامه اعتماد، ۱۳۹۸).

همانطور که ذکر شد استان هرمزگان دارای رتبه دوم در کشور به لحاظ دارا بودن ساخت نظام خانوادگی چندهمسری است و این پدیده در شهرستان‌های این استان به طور متعدد مشاهده می‌شود. لذا شهرستان میناب که دومین شهرستان پرجمعیت استان هرمزگان می‌باشد نیز از این قاعده مستثنی نیست. بر اساس مشاهدات اولیه‌ای که محقق داشته، همچنین از طریق پرسش از مطلعین کلیدی که افراد محلی و ساکن همین منطقه می‌باشند گویا چندهمسری به طور متعددی در این شهرستان به ویژه در قسمت‌های شرق و جنوب شرقی مشاهده شده است و همچنان نیز قابل مشاهده است.

لذا مسئله موجود اینجاست که انتخاب همسر دوم شدن تصمیم بسیار سختی است و اکثر زنان حتی با وجود شناخت کامل طرف مقابل خود نیز از این مساله آگاه هستند. همچنین همانطور که پژوهش رحمانیان و همکاران (۱۴۰۲) با عنوان مطالعه‌ی پدیدارشناختی تجربه‌ی زیسته زنان در خانواده‌های چندهمسر این شهرستان نیز نشان داد، علی‌رغم اینکه این پدیده در این شهرستان به طور متعددی رویت می‌شود اما امروزه بر خلاف تصور که به عنوان امری فرهنگی و نسبی گرایانه نگریسته می‌شد دیگر هنجاری مثبت و قابل قبول برای زنان نیست. چه بسا برخی به همسران دوم به عنوان فردی که زندگی زنی دیگر را متلاشی کرده است بنگرند و وی را مورد نکوهش نیز قرار دهند. معمولاً همسران دوم را غارتگران احساس، محبت و ... در روابط خانوادگی زندگی مشترک همسران اول می‌شناسند. اما این نکته حائز اهمیت است که این زنان هر کدام با علم بر دشواری‌هایی که این نوع از زندگی برای آنها به ارمغان می‌آورد، بنابر دلائلی حاضر به پذیرش ازدواج با مرد متأهل شده‌اند که چه بسا برای هر کسی این دلائل می‌تواند مشترک یا متفاوت از بقیه باشد و

نباید حقوق آنها نادیده گرفته شود. لذا حمایت از خانواده از آلودگی به هرج و مرج و انحطاط اخلاقی، از وظایف دولت اسلامی است (عنایت و قلیچی، ۱۳۹۹).

همچنین در این خصوص نیز اغلب پژوهش‌هایی که در جامعه در باب پدیده چندهمسری انجام گرفته است، اسنادی و کمی بوده‌اند و به طور عمیق به این پدیده که مستقیم با عنصر اساسی جامعه مرتبط است پرداخته نشده است. در صورتی که چندهمسری، تنها از نظر اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی مشکل‌زانیست؛ بلکه در ذات خود مسئله‌ای بغرنج، پیچیده و حساس است و مشکلات فراوانی مانند سطح پایینی از عزت نفس، عملکرد خانوادگی و تربیت فرزندان همچنین اختلالاتی مانند افسردگی، اضطراب، عقاید پارانوئید، خصومت و ... دامن‌گیر زنانی است که در خانواده‌های چندهمسر زندگی می‌کنند (دشتیان و همکاران، ۱۴۰۰). از این رو این پژوهش به دنبال جستجو در دلایلی است که زنان را با وجود آگاهی از سختی‌هایی که در مسیر پیش‌رو دارند به سمت پذیرش همسر دوم شدن سوق داده است. بدین ترتیب با توجه به مطالب مطرح شده این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که چه دلایل و زمینه‌هایی زنان را به سمت پذیرش همسر دوم شدن سوق داده است؟

علی‌رغم جستجو در منابع داخلی و خارجی، پژوهش‌های انجام شده در راستای زمینه‌ها و دلایل گرایش زنان در پذیرش همسر دوم مردان متاهل شدن بسیار محدود است و با وجود پژوهش‌های فراوانی که در سایر ابعاد چندهمسری صورت گرفته است اما کمتر پژوهش جامعه‌شناسانه‌ای در این زمینه صورت گرفته است. بنابراین در این بخش علاوه بر بررسی تحقیقات محدود انجام شده در این راستا، به ذکر اجمالی از نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه چندهمسری پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش علی‌پور و همکاران (۱۴۰۳) با عنوان بررسی تجارب زیسته زنان از پدیده چندهمسری در استان سیستان و بلوچستان در ۵ تم "تغییر دیدگاه‌ها و باورها"، "تبدیل تهدید به فرصت توسط زنان"، "مشکلات زنان در چندهمسری"، "اثرات چندهمسری بر فرزندان" و "علل چندهمسری" دسته‌بندی شد. لذا یافته‌های پژوهش نشان داد که چندهمسری برای زنان و وضعیت و شرایط خوبی را ایجاد نکرده است. یافته‌های پژوهش رحمانیان

و همکاران (۱۴۰۲) با عنوان مطالعه‌ی پدیدارشناختی تجربه‌ی زیسته زنان در خانواده‌های چندهمسری نیز نشان داد امروزه دیگر پدیده چندهمسری بر خلاف تصور که به عنوان امری فرهنگی و نسبی گرایانه نگریسته می‌شد، دیگر هنجاری قابل قبول برای زنان میدان مطالعه نیست و این پدیده برای زنان با شرایط، مذهب و فرهنگ یکسان همان قدر دردناک و رنج‌آور است که برای زنان با مذهب و شرایط متفاوت دردناک و رنج‌آور است و این کاملاً یک امر درونی در همه زنان است. یافته‌های پژوهش دشتیان و همکاران (۱۴۰۰) با عنوان چندهمسری و پیامدهای روانی - اجتماعی آن برای زنان نیز حاکی از آن هست که زنان خانواده‌های چندهمسر با مشکلات فراوانی مانند سطوح پایینی از عزت نفس، عملکرد خانوادگی و تربیت فرزندان، همچنین اختلالاتی مانند جسمانی سازی، افسردگی خویی، حساسیت بین فردی، عقاید پارانوئید، خصومت و ... دسته و پنجه نرم می‌کنند. پژوهش عنایت و قلیچی (۱۳۹۹) با عنوان دلایل چندزنی در نظام معنایی زن دوم نیز نشان داد که ساختار قدرت در خانواده بیشتر به سود مردان است و این امر به نوبه‌ی خود بر تمامی ابعاد زندگی دختران و زنان سایه افکنده است. این پژوهش شامل ۶ مفهوم (سن بالا، اجبار، بیوه بودن، تقدیر و سرنوشت، فقر مالی و علاقه داشتن به مرد)، همچنین سه مقوله عمده (زمینه‌های اجتماعی، جامعه پذیری و کلیشه‌های فرهنگی) و در نهایت کشف مقوله هسته‌ای نظام مرد سالاری می‌باشد. شجاعی و هنرپوران (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان پدیدارشناسی کیفیت زندگی زنان همسر اول در خانواده‌های چندهمسری نیز نتیجه گرفتند که در این خانواده‌ها به علت اختیار همسر دوم، زنان در معرض آسیب پذیری شدید فردی و اجتماعی نظیر احساس تنهایی، طلاق عاطفی، عدم حمایت خانواده، کاهش رفاه مادی، مشکلات جسمانی، حس حقارت و عدم تعلق عاطفی قرار دارند. همچنین نتایج پژوهش علی‌نقیان و روستاخیز (۱۳۹۷) با عنوان فهم پدیدارشناختی چندهمسری در میان بلوچ‌های ساکن شهرستان چابهار نیز نشان داد که چندهمسری در بلوچستان امری جا افتاده است و این امر را باید نتیجه جایگاه نازل زنان بلوچ در سلسله مراتب اجتماعی و اقتصادی، وابستگی مالی آنها، عدم حمایت حقوقی از طلاق و جدایی زن و فقدان پشتیبان‌های اجتماعی دانست. همچنین رمضان نرگسی (۱۳۸۴) در پژوهش خود تحت عنوان بازتاب

چندهمسری در جامعه نیز به علل ازدواج زنان با مردان متاهل پرداخته است. در یافته‌های این پژوهش به عواملی از جمله افزایش سن ازدواج دختران، رهایی از مشکل بیوه بودن، افزایش تعداد مطلقه‌ها، اخاذی از مردان متاهل ثروتمند، انتقال به طبقه بالای اجتماعی، نجات از فقر مادی و اغفال دختران اشاره شده است.

از بین پژوهش‌های خارجی صورت گرفته در حوزه چندهمسری در پژوهش گادبن و گلدنر^۱ (۲۰۲۰) با عنوان من هیچ امیدی ندارم: تجربه مادران در خانواده‌های چندهمسری نیز اشتیاق به روابط عاشقانه، حسادت، عصبانیت و میل به انتقام و عدالت از روایت‌ها پدیدار شد. سینای و پلگ^۲ (۲۰۲۰) نیز در پژوهش خود تحت عنوان تعاملات زناشویی و تجربیات زنان چندهمسری: یک مطالعه اکتشافی، دریافتند که زنان واکنش‌های احساسی و جسمانی شدیدی نسبت به ازدواج همسرشان با زنی دیگر را از خود نشان داده‌اند و زندگی در یک خانواده چندهمسری به ویژه برای کسانی که در سنین پایین ازدواج نموده‌اند، بر میزان رضایت زناشویی آنها تاثیر منفی داشته است. در پژوهشی دیگر که توسط دیریکس و همکاران^۳ (۲۰۱۹) با عنوان زنان مبتلا به ناباروری و مقاومت در برابر تعدد زوجات انجام شده است نیز یافته‌ها نشان داد که زنان مبتلا به ناباروری در ازدواج‌های چندهمسری در وضعیت نامطلوبی قرار دارند و برای عبور از چالش‌ها از ترکیبی از راهبردهای سازگاری، مقابله و مقاومت استفاده می‌کنند. یافته‌های پژوهش ابراهیم و همکاران^۴ (۲۰۱۷) با عنوان زنان در ازدواج‌های چندهمسری (ادراک و تجربیات آنها) نیز نشان داد که زنان تصورات دوگانه‌ای از تعدد زوجات دارند. آنها دریافتند که زنان تعدد زوجات را بسته به پیشینه اسلامی و تجارب زندگی زناشویی شان، به صورت امری مطلوب یا نامطلوب درک می‌کنند. لذا پژوهش اوزکان و همکاران^۵ (۲۰۱۸) با عنوان ابعاد بهداشت روانی زنان از دیدگاه خانواده‌های چندهمسری و تک‌همسری در ترکیه نیز از نمونه پژوهش‌های خارجی در رابطه با موضوع

1. Gadban & Goldner
2. Sinai & Peleg
3. Dierickx & et al
4. Abraham & et al
5. Ozkan & et al

چندهمسری است. نتایج این پژوهش نشان داد که شرکت کنندگان از خانواده‌های چندهمسری بخصوص همسران ارشد، گزارش پریشانی روانی بیشتری داشته‌اند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون صورت گرفته است. تحلیل مضمون روشی است که معمولاً برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در تحقیقات کیفی اولیه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

میدان مطالعه پژوهش حاضر شهرستان میناب واقع در استان هرمزگان است و با روش نمونه‌گیری هدفمند و شیوه دسترسی گلوله‌برفی با ۱۹ نفر از همسران دوم خانواده‌های چندهمسر به روش باز و نیمه ساختاریافته مصاحبه انجام شده است.

با توجه به اینکه سنت چندهمسری در مناطق و بخش‌های مختلف جنوب ایران از جمله استان هرمزگان و شهرستان میناب همچنان وجود دارد، بنابراین دسترسی به مشارکت کنندگان با بررسی‌های میدانی اولیه قابل انجام بود. علاوه بر این یکی از محققین، به عنوان معلم در مناطق روستایی شهرستان میناب فعالیت می‌کند و بارها با زنان درگیر با این پدیده مواجه شده است. لذا شغل محقق در ایجاد اعتمادسازی بسیار مثر و ثمر واقع شد.

در ابتدا محقق با پرس و جو از مطلعین کلیدی میدان پژوهش در مناطق ناآشنا اقدام به شناسایی سوژه‌ها نمود و طی هماهنگی‌های لازم و کسب اجازه از آنها مصاحبه‌های اولیه صورت گرفت. در انتهای مصاحبه محقق از آنها تقاضا نمود که اگر همسران دوم دیگری از خانواده‌های چندهمسر را می‌شناسند معرفی کنند و در این بین برخی از شرکت کنندگان در پژوهش در انتخاب سوژه‌های بعدی و به ویژه ایجاد اعتماد در آنها به محققین یاری رساندند. همچنین محققین به واسطه آشنایی نسبی خود با میدان پژوهش، به صورت بی‌واسطه نیز با شرکت کنندگان مصاحبه انجام داده و در نهایت هر کدام از آنها نیز مشارکت کنندگان دیگری را معرفی و خود نیز واسطه‌ای برای انجام مصاحبه‌های بعدی شدند. بنابراین شرکت کنندگان به دو روش هدفمند و گلوله‌برفی انتخاب شد و این روند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. بعد از انجام هر مصاحبه روایت‌های زنان که با اجازه خود آنها ضبط شده بود پیاده و مراحل کدگذاری و تجزیه و تحلیل آنها انجام شد تا بازخوردهای

لازم برای انجام مصاحبه‌های بعدی فراهم شود. در این بین، بخشی از مصاحبه‌ها بصورت حضوری و در منزل شرکت‌کنندگان طی ۱ تا ۴ ساعت و بخشی دیگر نیز به صورت تلفنی و غیرحضوری صورت گرفته است. لذا بعد از انجام هر مصاحبه محقق اقدام به دریافت شماره‌ی همراه شرکت‌کنندگان نموده تا بعد از پیاده‌سازی روایت‌های آنها چنانچه نقطه‌ی مبهمی در روایت‌های آنان مشاهده شود بتواند مجدد با آنها تماس برقرار نموده و ابهامات را رفع نماید. تحلیل داده‌های پژوهش نیز بر اساس چارچوب سه مرحله‌ای گیبسون و براون (۲۰۰۹) انجام شد و کدهای اولیه با سازماندهی عبارات معنایی تولید شد. سپس تم‌های فرعی نیز که دسته‌ای از کدهای اولیه است از کنکاش در آنها بدست آمد و در نهایت تم فراگیر از دسته‌بندی تم‌های فرعی استخراج شد.

در این پژوهش جهت اعتباربخشی به نتایج از تکنیک ارجاع به نقل قول استفاده شده است. لذا ارجاع به نقل قول یکی از روش‌های اعتباربخشی به ایده‌ها و نظرات خود است. همچنین محقق پس از تحلیل داده‌ها، جهت اطمینان از مفاهیم استخراج شده، آنها را با شرکت‌کنندگان در میان گذاشته تا این اطمینان که مفاهیم برداشت شده دقیقاً همان مفاهیم مورد نظر شرکت‌کنندگان است حاصل شود. از طرفی دیگر، تحلیل داده‌ها توسط دو همکار دیگر نیز بررسی شد و این امر به اعتبار داده‌ها افزوده است.

در رابطه با رعایت ملاحظات اخلاقی در پژوهش نیز با توجه به اینکه موضوع پژوهش مستقیماً با زندگی خصوصی شرکت‌کنندگان را مرتبط بود، تلاش شد با دادن شرح مختصری از هدف تحقیق برای شرکت‌کنندگان در آنها انگیزه و رغبت شرکت در مصاحبه ایجاد شود و سپس با افراد راغب در فضایی دوستانه و به صورت محرمانه مصاحبه و گفتگو شد. قبل از انجام مصاحبه به تک تک آنها در رابطه با ضبط صدایشان اطمینان داده شد که تمامی اطلاعات به صورت رمزی و کدگذاری شده در پژوهش آورده خواهد شد و صدای ضبط شده آنها بلافاصله بعد از پیاده‌سازی توسط پژوهشگر، حذف می‌شود. لذا شرکت‌کنندگان در صورت عدم رضایت و تمایل به خروج از پژوهش کاملاً صاحب اختیار بودند.

جدول ۱: اطلاعات شرکت‌کنندگان در پژوهش

نشریه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده

شرکت کنندگان	سن	تحصیلات	شغل	مدت زمان ازدواج	سن شرکت کنندگان به هنگام ازدواج	تعداد فرزندان	علت جدایی از همسر سابق
کد ۱	۴۳	بی سواد	خانه دار	۳۰	۱۳	۳	----
کد ۲	۲۶	راهنمایی	خانه دار	۹	۱۷	۲	----
کد ۳	۷۰	بی سواد	خانه دار	۵۷	۱۳	۹	----
کد ۴	۳۸	لیسانس	خانه دار	۱۹	۱۹	۱	طلاق
کد ۵	۴۷	بی سواد	خانه دار	۲۳	۲۴	۲	طلاق
کد ۶	۲۷	دبیرستان	خانه دار	۲	۲۵	۱	طلاق
کد ۷	۵۲	بی سواد	خانه دار	۳۵	۱۷	۳	طلاق
کد ۸	۴۸	دیپلم	کارمند	۱۴	۳۴	۴	----
کد ۹	۵۰	بی سواد	خانه دار	۳۲	۱۸	۴	----
کد ۱۰	۶۱	ابتدایی	کارمنده	۳۲	۲۹	۲	فوت همسر
کد ۱۱	۵۷	ابتدایی	خانه دار	۱۰	۴۷	۰	طلاق
کد ۱۲	۴۱	لیسانس	کارمند	۱۳	۲۸	۲	طلاق
کد ۱۳	۴۳	راهنمایی	کارگر	۲۳	۲۰	۳	----
کد ۱۴	۴۵	ابتدایی	خانه دار	۴	۴۱	۰	فوت همسر
کد ۱۵	۴۱	دبیرستان	خانه دار	۱۰	۳۱	۳	فوت همسر
کد ۱۶	۳۵	لیسانس	کارمند	۱	۳۴	۰	طلاق
کد ۱۷	۵۰	ابتدایی	خانه دار	۱۶	۳۴	۲	طلاق
کد ۱۸	۴۲	بی سواد	کارگر	۲۸	۱۴	۵	----
کد ۱۹	۴۵	بی سواد	کارگر	۲۳	۲۲	۳	طلاق

در این پژوهش ۱۹ نفر از همسران دوم خانواده‌های چندهمسری در بازه‌ی سنی ۲۶ تا ۷۰ سال شرکت نموده‌اند که میزان سطح تحصیلات آنها بین درجات بی سواد تا کارشناسی متغیر است. ۷ نفر از زنان مشارکت کننده بی سواد (۳۶/۸۴)، ۴ نفر دارای سطح سواد ابتدایی (۲۱/۰۵)، ۴ نفر دارای مدرک زیر دیپلم (۲۱/۰۵)، ۱ نفر دارای مدرک دیپلم (۵/۲۶) و ۳ نفر نیز دارای مدرک کارشناسی بودند. میانگین سنی شرکت کنندگان ۳۱/۴۵ سال است و ۶ نفر از آنها در بازه سنی ۵۰ سال به بالا قرار دارند.

یافته‌های پژوهش

نظام مردسالارانه‌ی جبرگرا و انگیزه‌های زنان

بر اساس یافته‌های ارائه شده در جدول شماره ۲، ۱۶ کد اولیه، ۴ تم فرعی و در نهایت تم فراگیر "نظام مردسالارانه‌ی جبرگرا و انگیزه‌های زنان" از تحلیل داده‌ها بدست آمده است. لذا تم‌های فرعی شامل "نامیدی از خواستگاران مجرد"، "شرایط جبری حاکم بر زندگی"، "برخورداری از حمایت اجتماعی" و "انگیزه‌های شخصی و احساسی" می‌شود که ذیل جدول شماره ۲، با استناد به گفته‌های مصاحبه‌شوندگان به صورت مبسوط مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره ۲: دلایل رغبت زنان به پذیرش همسر دوم شدن

تم فراگیر	تم‌های فرعی	کد اولیه (مفهوم)
نظام مردسالارانه‌ی جبرگرا و انگیزه‌های زنان	نامیدی از خواستگاران مجرد	فقدان خواستگاران مجرد هم‌شان خود عدم استقبال افراد مجرد از ازدواج با زنان بیوه و طلاق‌گرفته بی‌اعتمادی به خواستگاران مجرد
	شرایط جبری حاکم بر زندگی	اجبار خانواده تقدیر و سرنوشت (تقدیر باوری) ازدواج، تنها راه فرار از تنگدستی و مشکلات مالی فرار از نگرش منفی مردم جامعه نسبت به زنان بیوه و طلاق‌گرفته
	برخورداری از حمایت اجتماعی	منزلت اجتماعی و اقتصادی بالای همسر خود وجود یک سرپرست در زندگی هم‌سانی شرایط خویش با مرد متاهل
	انگیزه‌های شخصی و احساسی	میل و علاقه به همسر خود میل به انتقام از همسر خواستگار خود (هووی آینده) مجدوب زیبایی همسر خویش شدن رفع امیال جنسی دور شدن و فرار از خانه پدری اثبات خود به دیگران

ناامیدی از خواستگاران مجرد:

این تم فرعی دارای ۳ مفهوم فقدان خواستگاران مجرد هم‌شان، عدم استقبال افراد مجرد از ازدواج با زنان بیوه و طلاق گرفته و بی‌اعتمادی به خواستگاران مجرد است. با توجه به فرهنگ غالب و نگاه سنتی در جامعه، وقتی زن به هر دلیلی (طلاق یا فوت همسر) از زندگی زناشویی قبلی خویش بیرون آمده است، اغلب شانس کمتری را برای ازدواج با افراد مجرد دارد "اکثر کیس‌ها متاهلن. کیس مجردی هم اگر پیدا می‌شد در سطح نبود ...، وقتی شما قبلاً ازدواج کردید و سه تا بچه دارید، آیا مورد خوب مجردی پیدا می‌شه به نظرتون؟" (کد شماره ۱۶). در واقع ازدواج زنان بیوه یا مطلقه با عرف و هنجارهای پذیرفته شده در جامعه‌ی ایرانی که از پسران انتظار ازدواج با دختران باکره را دارد، سنجیت و همخوانی ندارد و از لحاظ اجتماعی و فرهنگی نه تنها قابل پذیرش نیست که چه بسا مذموم و ناپسند نیز می‌باشد. از این رو زنان مطلقه یا بیوه‌ای که خواستار ازدواج مجدد هستند با این چالش روبه‌رو هستند. آنها به علت این نگاه فرهنگی غالب در جامعه از یک سو از داشتن خواستگاران مجرد و هم‌شان خویش محروم هستند و از سوی دیگر، اگر دارای خواستگاران مجردی نیز باشند، با توجه به شرایط خویش (مطلقه یا بیوه بودن) و نگاه فرهنگی حاکم بر جامعه و همچنین دارا بودن فرزند با سوءظن به وی نگاه کرده و نمی‌توانند آن را به عنوان یک تکیه‌گاه برای خویش بپذیرند. چراکه آنها به علت دارا بودن یک سابقه ازدواج در زندگی خود احتمال اینکه همسرشان بعد از آنها نیز مجدد ازدواج کند و به دنبال دختری برای ازدواج با خود باشد را نیز می‌دهند "به مجرد اعتماد ندا شتم، بعضی از زنها رو دیده بودم که با پسران مجرد ازدواج کرده بودند اما بعد از چندسال اون مرد مجدد زن گرفته بود و به زنش گفته بود که تو بیوه بودی ... " (کد شماره ۱۷).

بخش دیگری از بی‌اعتمادی زنان مطلقه یا بیوه به خواستگاران مجرد نیز ناشی از عدم درک کافی افراد مجرد از موقعیت و شرایط یک زن که از قضا سابقه ازدواج دارد، است. از آنجایی که زنان دوم اغلب زنان بیوه یا طلاق گرفته می‌باشند، معمولاً صاحب فرزند هستند و چون مردان مجرد تجربه فرزندی را ندارند، لذا این عامل منجر به ایجاد ترس و بی‌اعتمادی نسبت به آنها در این گروه از زنان شده است "خواستگار مجرد داشتم امانی تونستم اعتماد کنم بهش، می‌گفتم من بچه کوچیک دارم، شاید درست تحویلش نگیره. مرد متاهل چون خودش هم بچه داره درک می‌کنه"

(کد شماره ۶). کد شماره ۱۲ نیز چنین می گوید: "خواستگار مجرد داشتم امانی تو زستم اعتماد کنم. می گفتم من بچه هام کوچیکن، شاید بچه هامو درست تحویل نگیره ...، مرد متاهل بهتر کنار میاد".

شرایط جبری حاکم بر زندگی:

این تم فرعی از ۴ مفهوم اجبار خانواده، ازدواج تنها راه فرار از تنگدستی و مشکلات مالی، تقدیر و سرونوشت و فرار از نگرش منفی مردم جامعه نسبت به زنان بیوه و طلاق گرفته تشکیل شده است. گاهی در زندگی انسان ها با مشکلات و موانعی روبه رو می شوند که چه بسا مجبور شوند تن به انجام کارهایی دهند که بر خلاف میل و رضایت باطنی آنها باشد. لذا مسائل اقتصادی اولین چالشی است که زنان بعد از جدایی یا فوت همسر در زندگی خویش با آن روبه رو می شوند و در صورت شاغل نبودن خود اگر از سمت خانواده خویش مانند پدر یا برادر حمایت نشوند قاعدتاً با مشکلات عدیده ای روبه رو خواهند شد. از این رو مشکلات اقتصادی اصلی ترین عامل ازدواج زنان با مردان متاهل می باشد. به ویژه زنانی که شاغل نیستند و تامین مایحتاج فرزندان و اداره زندگی خویش برای آنها دشوار می باشد. در واقع طلاق گرفتن یا فوت همسر باعث می شود که برخی از زنان به جهت شرایط کنونی خویش، بر خلاف میل باطنی خویش حاضر به ازدواج با مردان متاهل شوند "مجبور بودم. از لحاظ مالی مشکل داشتم، خونه بابام بودم، بابام هم عصبی بود، ما رو شبها بیرون می کرد، می گفت برو بچه های مردمو تحویل بده که اگر اتفاقی بیفته من نمی تونم جواب بدم" (کد شماره ۱۲). کد شماره ۱۱ نیز اظهار می کند که "شوهرم فوت نشده بود که ارثی به من برسه، طلاق گرفته بودم و هیچ چیزی به من نرسید، دست خالی بودم و با چند تا بچه، با خیاطی و این راه و اون راه، خلاصه نیاز مالی داشتم".

از طرفی دیگر نیز نگاه منفی که جامعه نسبت به زنان بیوه یا مطلقه دارد یکی دیگر از چالش هایی است که این زنان با آن روبه رو هستند و همین مسئله سبب رنجش خاطر آنها شده و چه بسا آنها را به سمت ازدواج با مردان متاهل سوق دهد. این زنان اگر در گذشته به راحتی و فراغ بال با سایرین رفت و آمد داشتند اکنون دیگر در معرض انواع تهمت ها قرار دارند. از یک سمت رفت و آمد آنها با منازل دوستان و اقوام خویش کاهش یافته که مبادا منجر به سوءظن در آنها برای

دلبری از همسرشان شود، از سمتی دیگر نیز انواع پیشنهادات برای برقراری رابطه با آنها از سمت مردان جامعه چه در محل کار و چه در میان اقوام و خویشان خواهد شد. از این رو وقتی آنها مجدداً ازدواج می‌کنند نه تنها دیگر آن مزاحمت‌ها بسیار کاهش می‌یابد بلکه آن نگاه منفی که از سمت اطرافیان حواله آنها می‌شد نیز از بین خواهد رفت "من می‌خواستم شوهری داشته باشم که کسی سُخْم نکند (کسی پشت سرم حرف نزنه)" (کد شماره ۱۰). کد شماره ۱۲ نیز چنین می‌گوید: "به هووم هم گفتم که من شوهر نمی‌خوام، من فقط یه سرپرستی می‌خوام که مردم به دیدی دیگه منو نگاه نکنن". لذا مسئله دیگری که در این بین نیز بیان آن حائز اهمیت است و منجر به ازدواج دختران با مردان متاهل شده است آن فرهنگ سنتی و نظام غالب مردسالاری حاکم در جامعه مورد مطالعه است که تصمیم انتخاب همسر با اختیار خویش را از دختران سلب کرده و در اختیار پدران آنها قرار داده است. گرچه امروزه با تغییرات فرهنگی در جامعه تا حدود زیادی به دختران حق آزادی در انتخاب همسر داده شده است و هر دختری می‌تواند هر شوهری را که مایل است انتخاب نماید اما همچنان هنوز هم در برخی از مناطق کشور به ویژه تا دو سه دهه پیش دختران حق اظهار نظر در رابطه با انتخاب همسر خویش را نداشته و با تصمیم والدین خود راهی خانه بخت می‌شدند "بچه بودم شوهرم دادن، نمی‌فهمیدم بُن زن ۱ چیه، سرزن ۲ چیه، پدرم منو داد به این مرد، تازه با وجودی که ۱۴ سالم بیشتر نبود و چیز زیادی نمی‌فهمیدم اما راضی نبودم و می‌گفتم نمی‌خوام". کد شماره ۱۳ نیز چنین اظهار کرد: "خانوادم و شوهرم حرفاشون رو زده بودن، هر کاری کردم که من زن این مرد نمی‌شم، این زن داره ...، من پسر خالمو می‌خوام، با بامم گفتم اگر می‌خواهی همینجوری برو، ما قبول نداریم". کد شماره ۷ که از همسر قبلی خود طلاق گرفته است نیز چنین اظهار می‌کند: "یه روز به من گفتم بیا عقدته، با کی عقدمه؟ ... زمان عقدم مادرم به پدرم گفت این دختر رو بدبخت کردی". در این بین برخی از زنان نیز با اعتقاد به تقدیر و سرنوشت گناه ناتوانی‌ها و ناکامی‌های خویش را به گردن خالق خویش انداخته و خود را از تقصیر و کوتاهی مبرا نشان می‌دهند "بهم گفتم این مرد مشکل خانوادگی داره و چند ساله می‌خواد زن بگیره، گفتم نه هووداری هم بده، حالا نگاه قسمت که میشه، رفتم شهرستان خونه خواهرم که زنگ زد من می‌خوان

۱. همسر اول

۲. همسر دوم

برن خونه بابات برات خواستگاری، به نفری هست و زن داره و ... من قبول نکردم. گذشت تا دیگه قسمت شد."

برخورداری از حمایت اجتماعی:

یکی دیگر از تم‌های فرعی پژوهش برخورداری از حمایت اجتماعی است که شامل ۳ مفهوم منزلت اجتماعی و اقتصادی بالای همسر خود، وجود یک سرپرست در زندگی و هم‌سانی شرایط خویش با مرد متأهل است. لذا زنان مطلقه یا بیوه در جامعه ما به دلیل شرایط اجتماعی و وضعیتی (مثل کلیشه‌ها و تصورات قالب فرهنگی) که در آن قرار می‌گیرند بیش از زنان دیگر احساس ترس و ناامنی دارند. انگ بیوگی و دید منفی به این زنان و انعکاس این نگاه در خود زنان یکی از مهمترین زمینه‌های فراهم آورنده احساس ناامنی زنان در زندگی روزمرشان به شمار می‌رود. سبک زندگی این زنان یعنی تنهایی و عدم حمایت اجتماعی، بی‌خانمانی و ... باعث شده تا آنها بیشتر احساس طعمه بودن، قربانی شدن و ترس و ناامنی را درک کنند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸). مجموعه‌ای از این دلایل باعث شده است که برخی از زنان حتی علی‌رغم میل باطنی خویش برای رهایی از این احساسات و برخورداری از حمایت اجتماعی به سمت همسر دوم شدن سوق پیدا کنند "من زن تنهایی بودم، فکر کردم این بچه‌ها فردا روز میرن سر خونه و زندگیشون و تنها می‌شم، به شوهری داشته باشم خوبه، گفتم سایه به مرد بالای سرم باشه بهتره" (کد شماره ۱۴). کد شماره ۱۵ نیز می‌گوید: "گفتم رسیدگی کنه به ما، سرپرستی بشه، حالا زنم داشته باشه طوری نیست". کد شماره ۱۷ نیز اینگونه اظهار می‌کند: "خانوادم بعد از طلاقم به خاطر تعصباتی که داشتن معمولاً مانع بیرون رفتنم بودن، منم دیدم ایشون بهترین کیسه برام، وضع مالی خوبی داره و توانایی اداره دو خونه رو داره، به خودم گفتم ایشون فرد جافتاده و پخته‌ای هست و شرایطش هم مثل خودمه، هر طور شده منو نگه می‌داره و گاه وقتی که بچه‌هام بیان پیشم درک می‌کنه، چون خودشم بچه داره می‌فهمه". کد شماره ۴ نیز بیان می‌کند که: "شوهر من موقعیت اجتماعی خیلی بالایی داشت ...".

انگیزه‌های شخصی و احساسی:

این تم فرعی که شامل ۶ مفهوم میل و علاقه به همسر خود، میل به انتقام از همسر خواستگار خویش (هووی آینده)، مجذوب زیبایی همسر خود شدن، رفع امیال جنسی، دور شدن و فرار از خانه پدری و اثبات خود به دیگران است نیز از دیگر تم‌های فرعی پژوهش می‌باشد. طبیعتاً انگیزه‌های درونی هر فرد محرک رفتارهای اوست. وجود یک سری انگیزه‌های شخصی و احساسی در زنان جامعه مورد مطالعه، آنها را بر آن داشته است که با وجود علم بر دشواری‌های مسیر پیش‌رو، دست به انتخاب این سبک از زندگی بزنند. در این بین می‌توان گفت علاقه و محبتی که یک زن نسبت به مرد متاهل پیدا می‌کند چه بسا مهمترین انگیزه‌ی احساسی وی برای تن دادن به این نوع از زندگی است "دوستشتم، بهش میل داشتم، کسانی دیگم او مدن اما قبول نکردم، فکر نمی‌کردی که ۵۰ سالشه، خیلی جَوون و جُون بود، تو هم که جُونی اگر می‌دیدش بهش می‌گفتی بیا خواستگاری من (هههه)" (کد شماره ۱۰). کد شماره ۸ نیز اظهار می‌کند: "من اونجا کار می‌کردم و بعضی مواقع هم با ماشینش که مسافربری می‌کرد تا مسیری مسافرش بودم و کم کم بی‌میل نبودم بهش".

گاهی اوقات نیز افراد در زندگی خویش از جانب برخی افراد دیگر آسیب‌ها و ضررهای جبران‌ناپذیری خواهد خوردند. این آسیب‌ها و ضررها در وجود برخی از افراد منجر به شعله‌کشیدن آتش انتقام و تحریک وی به قصد جبران آسیبی که به وی رسیده است و ضربه زدن به فرد خاطی می‌شود. وجود شعله‌های انتقام که یک نیروی دورنی نیز می‌باشد فرد را به سمت انجام عملی می‌برد که چه بسا دود آن در چشم خویش نیز خواهد رفت. "هووم خواهر شوهر اولمه و چشم در مقابل چشم، زندگیمو خراب کردن، پس اونا هم باید پس بدن، سوختن به تماشا نمی‌شود..." (کد شماره ۱۶). در این بین میل جنسی زنان که یکی اساسی‌ترین نیازهای آنهاست نیز وجود دارد که البته اکثر شرکت‌کنندگان بر اساس حجب و حیای خویش به آن اشاره ننموده و حتی آن را کتمان نیز کردند. تعدادی از شرکت‌کنندگان به وجود این نیاز در خود اشاره و علاقه به ارضای آن را در ازدواج مجدد خویش جست‌جو کرده‌اند. با توجه به اینکه پذیرفتن نیاز جنسی به معنای رفع آن به هر طریق و هر جایی نیست، لذا نیازمند پیش‌نیاز آن است که در زمان مناسب و با فرد مناسب بتوان

۱. جُون: زیبا

به نیاز جنسی پس از طلاق یا فوت همسر پاسخی در خور شان و شخصیت خویش داد. از این رو برخی از زنان شرکت کننده پاسخ به این گزینه اساسی را در ازدواج مجدد خویش و در چهارچوب شرع و عرف جستجو کرده‌اند "یک زنی که از قضا قبلاً هم یک ازدواج داشته، و بی تجربه در زمینه روابط زناشویی نیست، خوب نیازهای جنسی دارد، نیاز جنسی هم به زن فشار میاره... این نیازها رو منم دارم..." (همان).

ازدواج برای فرار از خانه نیز یکی از انگیزه‌های احساسی و عجولانه‌ای است که ممکن است افراد برای زندگی آینده خود بگیرند. برخی از افراد با قصد دور شدن از محدودیت‌های خانواده و جو خفقان‌آور آن، فرار از فقر یا برای رسیدن به آزادی و استقلال تن به ازدواج با افرادی می‌دهند که چه بسا برای آنها مناسب نباشد و از معیارها و ارزیابی‌های لازم برای ازدواج نیز به دور باشد. هدف این افراد از ازدواج خود تنها دور شدن از زیر بار سطه‌ی خانواده و تشکیل یک زندگی مستقل یا فرار از جو خفقان‌آور خانه است. برخی از شرکت کنندگان انگیزه خویش برای ازدواج خود با مرد متاهل را دور شدن از محیط خانه پدری خویش عنوان نموده‌اند "پدر و مادرم اعتیاد داشتند، فقیر بودیم و می‌خواستم از اون محیط دور بشم،..." (کد شماره ۲).

لذا انگیزه دیگری که زنان میدان مورد مطالعه را به سمت پذیرش همسر دوم شدن سوق داده است، اثبات خود به دیگران است. بعضی اوقات انسان‌ها در زندگی خود بیشتر از آنکه به دنبال شادی باشند به دنبال اثبات خود به دیگران هستند، که البته این روش زندگی علی‌رغم اینکه ممکن است مزایایی برای فرد در زندگی داشته باشد، می‌تواند آسیب‌های زیادی نیز به آنها وارد می‌کند. "شوهر من موقعیت اجتماعی و اقتصادی خیلی بالایی داشت و من هم یه جور سر لجبازی با فامیلم بودم و می‌خواستم بهشون ثابت کنم که من می‌تونم بهترین هم باشم" (کد شماره ۴).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر مطالعه‌ی دلایل رغبت زنان به پذیرش همسر دوم شدن در بین زنان شهرستان میناب بود و تم فراگیر "نظام مرد سالارانه‌ی جبرگرا و انگیزه‌های زنان"، همچنین تم‌های فرعی "ناامیدی از خواستگاران مجرد"، "شرایط جبری حاکم بر زندگی"، "برخورداری از حمایت اجتماعی" و "انگیزه‌های شخصی و احساسی" از تحلیل داده‌ها استخراج شد. این یافته‌ها با

نتایج پژوهش‌های عنایت و قلیچی در سال (۱۳۹۹) و پژوهش ویلشن در سال (۲۰۰۹) هم‌خوانی دارد. لذا بر اساس یافته‌های این پژوهش‌ها پدیده چندهمسری جلوه‌ای از نظام مردسالاری موجود در جامعه است. عنایت و قلیچی نیز در پژوهش خود با عنوان دلایل چندزنی در نظام معنایی زن دوم نشان دادند که ساختار قدرت در خانواده بیشتر به سود مردان است و این امر به نوبه‌ی خود بر تمامی ابعاد زندگی دختران و زنان خانواده سایه افکنده است.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که تم فرعی ناامیدی از خواستگاران مجرد در واقع برگرفته از نظام مرد سالاری حاکم بر جامعه است. نظامی که از مردان مجرد انتظار ازدواج با دختران باکره را دارد و در این بین خود زنان جامعه به عنوان مادران مردان، به درونی کردن این نگاه فرهنگی غالب در جامعه نیز کمک کرده و خود تبدیل به مانعی در مسیر ازدواج مردان مجرد با زنان بیوه یا طلاق گرفته می‌شوند. همچنین ازدواج از روی جبر و عدم وجود راه چاره نیز در واقع ناشی از نظام مردسالارانه حاکم بر جامعه که پدرسالاری نیز به عنوان زیر مجموعه‌ای از آن تلقی می‌شود است. در نظام مرد سالاری، مردان چه در عرصه‌های عمومی و چه در عرصه‌های خصوصی در راس قدرت واقع شده و تصمیم گیرنده نهایی در امور مربوط به خانواده و جامعه هستند.

لذا یکی از اهرم‌های تقویت کننده نظام مردسالاری جامعه‌پذیری است، که به خوبی همه‌ی اوامر و خواسته‌های آن را درونی می‌کند به گونه‌ای که کاملاً طبیعی جلوه نمایند. در سیستم "پدر سالاری" مردان تمام اعضای خانواده، دارایی و سایر منابع اقتصادی را کنترل می‌کنند و این باور که مردان برتر از زنان هستند و زنان باید در کنترل آنها باشند، و در واقع بخشی از دارایی مردان به شمار می‌روند نیز در این سیستم ریشه دارد. کلیشه‌های جنسیتی نیز که در پی دورنی کردن و جامعه‌پذیری به وجود می‌آیند نیز در حفظ و بقای نظام مرد سالاری موثر بوده‌اند. این کلیشه‌ها در بین زنان و مردان خطوط هر چند نامرئی اما بسیار با نفوذ و قوی به عنوان مرزی تفکیک کننده ترسیم می‌کنند. در پی این مرزبندی است که مردان و زنان در تمامی حوزه‌ها از رنگ لباس گرفته تا احساسات و مشاغل مناسب هر جنس، استعدادها، متفاوت و ... از یکدیگر تفکیک می‌شوند. تفکیکی که بیشتر جنبه اجتماعی و ساختگی دارد تا طبیعی. فمینیست‌ها معتقدند آنچه منجر به شکل‌گیری و تداوم این فرهنگ می‌شود آن شیوه‌های ناصحیح تربیتی است که پسران را از بدو تولد با روحیه قدرت‌مدار و ریاست‌طلب و دختران را با روحیه‌ای مطیع و تسلیم

پذیر قرین می‌سازد (عنایت و قلیچی، ۱۳۹۹). لذا در چنین ساختار حکومتی حاکم بر جامعه که از قضا کفه تمام امتیازات اقتصادی و اجتماعی و ... نیز به نفع مردان آن است، زنان نیز که از ازدواج با افراد مجرد مایوس گشته‌اند خواسته یا ناخواسته، از روی اجبار یا عدم اجبار برای برخورداری از حمایت‌های لازم اجتماعی به سمت ازدواج با مردان متأهل و پذیرش هوو در زندگی خود سوق داده می‌شوند. نکته حائز اهمیتی که در این بین وجود دارد، وجود تم فرعی انگیزه‌های شخصی و احساسی در میان تم‌های فرعی کشف شده دیگر است. در واقع این تم حاکی از یک سری انگیزش‌های درونی فراتر از جبر و اجبار برای زنان در تن دادن به این نوع از ازدواج را دارد.

تعریف انگیزش به مفاهیم نظری روان‌شناسی بستگی دارد و می‌توان انگیزش را میل به کوشش فراوان برای تامین یک هدف تعریف کرد به گونه‌ای که این تلاش در جهت ارضای برخی از نیازهای فردی سوق داده شود. بنابراین انگیزش را می‌توان یک فرایند ارضای نیاز به حساب آورد. (رهنورد، ۱۳۹۴). بنابراین وجود برخی از امیال و خواسته‌ها در درون افراد آنها را به سمت عمل به رفتاری و برآوردن آن امیال و خواسته‌ها سوق می‌دهد. لذا آنچه از مفاهیم تم انگیزه‌های شخصی و احساسی بر می‌آید، جنس انگیزه زنان در انتخاب همسر دوم شدن از نوع درونی است. به عبارتی میل رسیدن به این اهداف از درون آنها نشأت می‌گیرد و یک امر درونی همراه با احساس رضایت و لذت می‌باشد.

لذا انگیزش درونی به مواردی اطلاق می‌شود که پاداش مورد انتظار فرد در قبال رفتاری معین یک منبع درونی است. یعنی فرد جهت رسیدن به تقویت‌های درونی، عمل ویژه‌ای را انجام می‌دهد، هر چند این عوامل درونی با عوامل بیرونی هم‌خوانی داشته باشند یا نداشته باشند و حتی موجب تنبیه فرد شوند (همان، ۱۳۹۴). آنچه از تعریف انگیزه درونی نیز بر می‌آید این است که این طیف از زنان علی‌رغم آگاهی از مشکلات زندگی چندهمسری اما با توجه به انگیزه‌هایی درونی خود با میل و علاقه خویش زندگی چندهمسری و وجود فردی به نام هوو را در زندگی خویش انتخاب کرده و می‌پذیرند که همسر دوم شوند.

به طور کلی می‌توان گفت که تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در پژوهش حاضر منجر به کشف تم فراگیر "نظام مردسالارانه‌ی جبرگرا و انگیزه‌های زنان" شد. نظامی که در آن از تاثیرات جبرش بر سرنوشت زنان، نمی‌توان به سادگی گذشت و اثرات آن بر سرنوشت زنان، با

اینکه امروزه تا حدودی از تضييعات حقوق زنان کاشته شده و گفتمان‌های مدرن در جهت حمايت از حقوق زنان شکل گرفته است، همچنان قابل رويت است. اما نکته‌ای که این وسط نیز قابل ذکر است این است که گاهی خود زنان نیز، با توجه به انگیزه‌های درونی خویش با مردان جامعه همگام شده و در مسیر خواسته‌های آنها گام بر می‌دارند. همانطور که نتایج پژوهش نیز نشان داد پذیرش همسر دوم شدن در زنان همیشه از روی جبر و ناچارى نمی‌باشد، بلکه بر اساس یک سری انگیزه‌های درونی، خود زنان بر حسب میل و رغبت تن به این نوع از ازدواج داده و همسر دوم مردان متاهل می‌شوند. انگیزه‌هایی که چه بسا در هر فرد متفاوت از دیگری باشد و او را به سمت نیل به هدف خویش و دریافت پاداش که گاهی با تنبیه نیز همراه است جهت دهد.

یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند چرخشگاه پژوهش‌های بعدی در این حوزه باشد. لذا از آنجا که پژوهش‌های صورت گرفته در داخل درباره دلایل و زمینه‌های گرایش زنان به پذیرش همسر دوم شدن بسیار اندک است، توصیه به انجام مجدد این پژوهش در سایر مناطق کشور می‌شود. همچنین به انجام پژوهشی کیفی در شهرستان میناب در راستای دلایل و زمینه‌های گرایش مردان به چندهمسری و بررسی نگاه و رویکرد آنها به این پدیده نیز توصیه می‌شود.

در پایان باید خاطر نشان شد که با توجه به اینکه شروع انجام این پژوهش همزمان با شروع پاندمی کرونا بود تا چندین ماه مانع از حضور محقق در میدان مطالعه و گردآوری داده‌ها شده بود. لذا همه‌گیری ویروس کرونا و طولانی بودن مدت زمان آن مرحله جمع‌آوری داده‌ها را با سختی و چالش مضاعف همراه کرده بود. از طرفی دیگر نیز به علت پراکندگی مشارکت‌کنندگان در بین روستاها و مناطق مختلف ارتباط با مطلعین کلیدی متعدد را سخت، چالش برانگیز و زمان بر کرده بود. چالش برانگیزترین مساله پیش روی محقق نیز فرایند اعتمادسازی برای مشارکت‌کنندگان بود. لذا موضوع پژوهش خصوصی‌ترین ابعاد زندگی افراد شرکت‌کننده را مورد هدف قرار داده بود و همین مساله بر دشوار بودن فرایند اعتمادسازی افزوده بود.

سپاس‌گزاری

از همه شرکت‌کنندگان در مصاحبه و همچنین دوستانی که در انجام این پژوهش معرف و همراه پژوهشگران در میدان مطالعه بودند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

Reference

- Ali Naqian, Shiva and Rustakhiz, Behrouz. (2018). Phenomenological understanding of polygamy among the Baluchis living in Chabahar city, Iranian Anthropological Research, Volume 8, Issue 1, 95-117. [In Persian]
- Alipour, Mohammad; Akbari, Ahmad Reza; Badiei, Sima and Abdollahi, Zeinab. (1403). Investigating women's lived experiences of the phenomenon of polygamy in Sistan and Baluchestan Province: A Phenomenological Study, Quarterly Scientific, Cultural and Educational Journal of Women and Family, Volume 19, Issue 66, 11-31. [DOR: 20.1001.1.26454955.1403.19.66.4.3](https://doi.org/10.1001.1.26454955.1403.19.66.4.3) [In Persian]
- Bates, Daniel and Plagg, Fred. (2011). Cultural Anthropology, translated by Mohsen Salasi. Tehran: Scientific Publications. [In Persian]
- Burgani Farahani, Abolfazl. (2010). Philosophy of Law and Family in Islam and the West, Tehran: Andisheeh Afaq Publications. [In Persian]
- Dashtianeh, Souda; Zare, Shiva and Khoramdel, Kazem. (1400). Polygamy and its psychosocial consequences for women (a systematic review article based on evolutionary bio-psychological explanations), Journal of Cognitive Psychology and Psychiatry, Year 8, Issue 5, 55-39. [In Persian]
- Dierickx, S., Coene, G., Jarju, B. & Longman, C. (2019). Women with Infertility Complying With and Resisting Polygyny An Explorative Qualitative Study in Urban Gambia. Reproductive Health, 103 (16), 1-11.
- Ebrahim, A., U. Lingga, J., Boquia, A. & Samama, N. (2017). Women in Polygynous Marriages; Their Perception an Experiences. Philippine Journal of Psychology, p 27-45.
- Enayat, Halimeh and Ghalijchi, Gelareh. (2019). Reasons for polygamy in the semantic system of the second wife (case study of Malekshahi County, Ilam Province), Quarterly Journal of Sociology of Culture and Art, No. 4, 108-89. [In Persian]
- Etemad Newspaper. (2019). Which province holds the record for "multiple marriages"?, Retrieved on March 15, 1402 from [etemadnewspaper.ir / fa / main / detail / 137288](http://etemadnewspaper.ir/fa/main/detail/137288). [In Persian]
- Gadban and Goldner, F. (2020). I have no hope: the experience of mothers in polygamous families as manifested in drawings and narratives. *frontiers i psychology*.1-10.
- Gibson, w. & Brown, A. (2009). Working With Qualitative Date. Sage.
- Hayase and Liaw, Y. (1997). Factors on polygamy in sub-sahran Africa. *The Developing-Economice*, XXX-3, 293-327.
- Hosseini, Mohammad Reza; Khzaei, Sara and Gholami, Fatemeh. (2019). Divorced women's lived experience of feeling insecure in everyday life, *Women's Research Journal*, Volume 10, Issue 4, 1-24. [In Persian]
- Jahanbakhsh, Mohammad Ali. (2016). Family and Culture, Tehran: Saco Publications
- Mohammadi, Naima and Sharifi, Simin. (2018). Sociology of Polygamous Families (Study of Health, Dignity and Satisfaction in Polygamous Families, Tehran: Sociologists. [In Persian]
- Mojahid, Azizollah and Bireshk, Behrouz. (2003). Behavioral status of children and mental health of parents in polygamous families, *Journal of Thought and Behavior*, No. 3, 67-60. [In Persian]

- Ozkan, M., Atli, A. & Okan Ibiloglu, A. (2018). Negative Effects of Polygamy on Family Members in the Province of Diyarbakir, Turkey. *Cukurova Medical Journal*. 43(4), 982-988.
- Rahmanian, Malihe; Zahirinia, Mostafa and Rastegar, Yaser. (1402). Phenomenological study of women's lived experience in polygamous families, *Quarterly Journal of Social Psychological Studies of Women*, Volume 21, Issue 4, 101-135. [In Persian]
- Rahnavard, Ramin. (2015). The effect of intrinsic and extrinsic motivation on knowledge transfer (case study: Higher Institute of Management and Planning Education and Research), *Quarterly Journal of Human Resources Studies*, Issue 18, 31-48. [In Persian]
- Ramazan-Nargassi, Reza. (2005). Reflection of Polygamy in Society, *Social Sciences, Strategic Studies of Women*, No. 27, 145-174. [In Persian]
- Shojahi, Zahra and Honarparoran, Nazanin. (2019). Phenomenology of the quality of life of first-wife women in polygamous families, *Quarterly Journal of Applied Family Therapy*, Volume 1, Issue 4, 89-104. [In Persian]
- Sinai, M. & Peleg, O. (2020). Marital Interactions and Experiences of Women Living in Polygamy: An Exploratory Study. *International Journal of Psychology*, 56 (2), 361-377.
- Tavakolizadeh Ravari, Mohammad; Deghani, Fatemeh; Nejbatain, Maryam and Soheili, Faramar. (2015). Content analysis of Persian articles in Iranian scientific journals on marriage and divorce using hierarchical clustering method, *Cultural and Educational Quarterly of Family Women*, 10th year, No. 32, 28-1. https://cwfs.ihu.ac.ir/article_201666.html [In Persian]
- Van Wichelen, Sonja. (2009). Polygamy talk and the politics of feminism: Contestations over masculinity in a new Muslim Indonesia. *Journal of International Women's Studies*, 11(1), 173-188.

